

خبر

مسعود سمیعی درگذشت

فقدان هنرمندی که غریبانه رفت

بخش فرهنگی – مسعود سمیعی نمایشنامه نویس ، منتقد و کارگردان پیشکسوت تئاتر کشورمان در سن ۶۷ سالگی درگذشت. سعید اسدی مدیر مجموعه تئاترشهر در پیامی به درگذشت این هنرمند واکنش نشان داد. مسعود سمیعی هنرمند عرصه تئاتر و از رزمندگان دفاع مقدس بود، که حدود ۴۰ سال در عرصه هنرهای نمایشی، به نمایشنامه‌نویسی و کارگردانی فعالیت داشت. او نویسنده بیش از ۳۰ نمایشنامه حرفه‌ای بود. در پیام سعید اسدی برای تسلیت درگذشت این هنرمند آمده است: «هرکس که به‌راستی هنر را برگزیند، علاوه بر حلاوتش، رنج و سختی اش را هم به جان می‌خرد. همین است که هنرمند بودن شجاعت ایستادن در میانه میدان رنج و لذت توأمان است. امروز سوگوار هنری مردی هستیم که بار سبکی تحمل ناپذیر بودن در میدان هنر را، بی آنکه در پی نام و نانش باشد، به دوش کشید و غریبانه رفت. مدیریت مجموعه تئاترشهر درگذشت مسعود سمیعی، نمایشنامه نویس و کارگردان ایرانی را به خانواده گرمای ایشان و هنرمندان تئاتر ایران تسلیت می‌گوید.» سمیعی که از عوارض حمل‌ا شمیایی رژیم بعث عراق در دوران دفاع مقدس رنج می‌برد، خالق نمایشنامه‌های «زیباترین سکوت»، «تاق شماره ۱۳» و «مردی در آینه» بود. او در فیلم «خاک» به کارگردانی مسعود کیمیایی نقش کوتاهی بازی کرده بود.

.....●●●●●

شکایت تند نویسنده «پایتخت»

از جشن حافظ

بخش فرهنگی – آرش عباسی، نویسنده فصل ششم «پایتخت» با یادآوری حواشی پیش آمده برای او در چند ماه گذشته به خاطر این سریال، اعلام کرد سکوت خود را به خاطر حذف نامش از فهرست نامزدهای جشن حافظ، می‌شکند و دست به شکایت می‌زند.

آرش عباسی، نویسنده فصل ششم سریال «پایتخت»، به خاطر حذف نام خود از فهرست نامزدهای بهترین فیلمنامه‌نویسان بیستمین جشن حافظ، خبر داد از دبیر این رویداد سینمایی و تلویزیونی، شکایت کرده است. در فهرست بخش بهترین فیلمنامه تلویزیونی در جشن حافظ امسال، نام آرش عباسی در بین نامزدها به چشم نمی‌خورد و تنها نام محسن تنابنده در مقام سرپرست نویسندگان طراح داستان ذکر شده است. در همین ارتباط، نویسنده «پایتخت ۶»، با انتشار پُستی در صفحه اینستاگرامش، اعلام کرد از برگزار کنندگان جشن حافظ شکایت خواهد کرد. در بخشی از این متن آمده است: «با خودم عهد کرده بودم اگر دنیا را آب ببرد، من را خواب ببرد. عهد کردم جز سکوت کاری نکنم. هیچ چیز ارزش سکوت در سایه نشتسن را ندارد. من از اردیبهشت سال قبل تا الان که آخر مرداد هستم، بیش از یک سال از عمرم را پای پایاخت گذاشتم. بخشی برای نوشتن و بخش بیشتری برای حواشی‌اش که اصلا ربطی به من نداشت اما چه چیزی بهتر از یک قربانی تازه از راه رسیده برای سریالی که صد جا برایش دندان تیز کرده‌اند…»

عباسی، در ادامه این پست اینستاگرامی، با انتقاد تند از دبیر جشن بیستم حافظ ادامه داده است: «همه خواستهام از … آدبیر جشن حافظ! این بود در یک خبر جداگانه، اسمم را اضافه کند و بابت سهل‌انگاری یا شیطنت‌اش عذر خواهی کند که نکرد … آبرای همین! شکایت رسمی‌ام از جشن حافظ و گرداندگانش در دفتر امور جشنواره‌های وزارت ارشاد در حال پیگیری است …»

.....●●●●●

وقتی مجری و بازیگر سرشناس مسافر کشی می‌کرد

بخش فرهنگی – مجری برنامه «چهل تیکه» گفت: ۲ سال و خردهای به صورت جدی مسافرکشی می‌کردم. گاهی می‌دیدم مسافر نیست و تمرین می‌کردم. یکبار داشتم یک مونولوگ می‌خواندم و متوجه نشدم دیدم هنوز یک مسافر پیاده نشده است. محمدرضا علیمردانی، صداپیشه، مجری و بازیگر می‌گوید، به دلیل کرونا نمی توانیم دوستانمان را که می بینیم در آغوش بگیریم و این دلتنگی ما را بیشتر می‌کند. علیمردانی همچنین درباره اینکه آیا تا به حال به لحظه‌ای رسیده است که بخواهد شغلش را عوض کند، افزود: نه به این فکر کرده ام که در کنار کارم کار دیگری هم داشته باشم. انجام هم دادم. پشیمان شدم و رهایش کردم. مدت ۸ ماه در محیطی اداری به صورت ساعتی کار کردم. آرشویی داشت که آن را به من سپرده بودند. بعد دیدم نمی توانم وفق پیدا کنم. هر چند که تا بعد از ظهر بودم و بعد به کارهای خودم می رسیدم. ۲ سال و خورده‌ای به صورت جدی مسافر کشی می‌کردم. گاهی می‌دیدم مسافر نیست و تمرین می‌کردم. یکبار داشتم یک مونولوگ می‌خواندم و متوجه نشدم دیدم هنوز یک مسافر پیاده نشده است. بنده حدازت رسید گفتم ببخشید من متوجه شما نشدم داشتم تمرین می‌کردم. کرایه را داد و پیاده شد. هیچ چیزی نگفت. چشم هایش درشت شده بود.

.....●●●●●

فرست تماشای «خروج» در شبکه نمایش خانگی

بخش فرهنگی – فیلم سینمایی «خروج» به کارگردانی ابراهیم حاتم‌ی کیا به آثار موجود در شبکه نمایش خانگی افزوده شد. بیستمین فیلم ابراهیم حاتم‌ی کیا که سال گذشته در جشنواره فیلم فجر رونمایی شد، اولین فیلمی بود که در ماه‌های اول شیوع کرونا در کشور و به بهانه سال جدید و تعطیلی سینماها به صورت آنلاین اکران شد. این فیلم با فروش حدود سه میلیارد تومانی در سینما آنلاین، همچنین در سینما ماشین هم اکران شد.

بعد از اینکه سینماها در تیر ماه بازگشایی شدند و پس از اینکه فیلم «نشای پروانه» که امید زیادی برای جذب مخاطب داشت از اکران انصراف داد فیلم «خروج» هم راهی سینماها شد. این فیلم در این دو سه هفته‌ای که روی پرده سینماها آمده ۵۲۶ نفر تماشاگر داشته و به فروش حدود هشت میلیون و ۲۵۰ هزار تومان رسیده است که اگرچه برای فیلمی به کارگردانی حاتم‌ی کیا اتفاق خوبی نیست، اما با توجه به استقبال خیلی کم مردم از سینما و نمایش آنلاین فیلم به دلیل کرونا چندان هم عجیب نباشد. حالا «خروج» چهار ماه پس از شروع اکران آنلاین از امروز ۲۵ مردادماه در شبکه نمایش خانگی و در سامانه‌های وی‌اودی در دسترس قرار گرفته است.

نسخه فیزیکی فیلم سینمایی «خروج» نیز از امروز در فروشگاه‌های معتبر سراسر کشور عرضه می‌شود.

در این فیلم فرامرز قریبیان، پانته‌آ پناهی‌ها، کامبیز درباز، سام قریبیان، محمدرضا شریفی‌نیا، گیتی قاسمی، جهانگیر الماسی به عنوان بازیگران اصلی به ایفای نقش پرداختند.

{فرهنگ و هنر }

از پروفسور سمیعی تا جواد خیابانی

آنچه افراد مشهور به «دوره‌می» هدیه دادند

بخش فرهنگی – پژمان جمشیدی، پروفسور سمیعی، جواد خیابانی و فرهاد آبیض چه

هدایای ویژه‌ای به موزه برنامه «دوره‌می» داده‌اند؟

بالاخره همزمان با پایان سری چهارم «دوره‌می»، موزه این برنامه که پیش از این رونمایی از آن چند بار به تعویق افتاده بود، به صورت مجازی به نمایش درآمد و هدایای مهمانان این برنامه به حراج گذاشته شد. البته این اتفاق فعلا در مرحله معرفی آثار و فراخوان برای برگزاری حراج است و هنوز پیشنهادها به سازندگان این برنامه ارائه نشده است.

از دو سال پیش، قرار بود عواید موزه به زلزله‌زدگان و پس از آن به مردم سیل‌زده اهدا شود، اما بسیاری از هدایا آماده نبود و پس از آن نیز ویروس کرونا شیوع پیدا کرد. در این حراج از انگشتر و کتاب گرفته تا موتورسیکلت و لباس، هدایای مختلفی دیده می‌شود، اما بعضی از این هدیه‌ها به دلیل خاطره‌انگیز بودن، ارزش مادی، معنوی یا هنری و منحصره‌فرد بودن، هدیه ویژه‌ای به حساب می‌آیند.

موتور خاطره‌انگیز آبیض

یکی از جذاب‌ترین چیزهایی که در موزه «دوره‌می» وجود دارد، موتورسیکلت فرهاد آبیض است.

او که علاقه زیادی به موتورسواری

دارد و معمولا بیشتر با موتور رفت‌وآمد می‌کند، به معنای واقعی یکی از باارزش‌ترین دارایی‌های خود را به موزه اهدا کرده است. این موتور علاوه بر ارزش مادی که دارد، طبق گفته فرهاد آبیض، برایش بسیار خاطره‌انگیز بوده و به آن علاقه داشته است.

عکس هوایی رشیدپور از مریخ

رضا رشیدپور هم به سهم خود، هدیه جالبی به موزه اهدا کرده. او که خلبان است و تجربه پرواز دارد، عکسی را که خودش هنگام پرواز بر فراز کرج، از منطقه‌ای به نام «مریخ» در اطراف کرج ثبت کرده به طور اختصاصی ویژه موزه «دوره‌می» در ابعاد بزرگ چاپ کرده است. این عکس به دلیل رنگ قرمز خاک و شکل جالب سطح زمین در آن منطقه، تصویر زیبایی از آب آورده است.

دلنوشته نقره پانته‌آ بهرام

هدیه پانته‌آ بهرام نیز یکی از زیباترین اجناس موزه است که ارزش هنری زیادی دارد. طبق گفته بهرام، این لوح یکی از دلنوشته‌های اوست که چند سال قبل توسط یکی از دوستان هنرمند او، با خطی خوش نوشته شده است. جنس این دلنوشته از نقره است. پانته‌آ بهرام در برنامه «دوره‌می» گفته بود یکی از سخت‌ترین کارهای جهان، انتخاب هدیه برای موزه بوده است.

آخرین پیراهن پژمان با امضای ستاره‌ها

یکی از ویژه‌ترین و خاطره‌انگیزترین هدایای موجود در موزه، متعلق به پژمان جمشیدی است. او آخرین پیراهن خود را که به عنوان بازیکن تیم ملی به تن داشته، یادگاری نگه داشته بود، اما تصمیم گرفت این پیراهن را به موزه «دوره‌می» تقدیم کند. تعدادی از هنرمندان مانند مهتاب کرامتی، بهرام رادان، مهراڻ مدیری، پیمان معادی، همایون شجریان و پیمان قاسمخانی این پیراهن را امضا کرده‌اند.

دیوان حافظ بازیگر شیرازی

هدیه گوهر خیراندیش جزو آن دسته از هدایای ادبی موزه است که ارزش هنری بالای آن، این هدیه را جذاب کرد. این بازیگر تصمیم گرفته بود به عنوان یک شیرازی، هدیه ارزشمندی مانند دیوان حافظ به تصحیح علامه محمد قزوینی را به موزه «دوره‌می» تقدیم کند. مارال و مونا فرجاد، مجید واشقانی، شهرام حقیقت‌دوست و گروه موسیقی سون هم دیوان حافظ به موزه اهدا کرده‌اند.

{فرهنگ و هنر }

از پروفسور سمیعی تا جواد خیابانی

آنچه افراد مشهور به «دوره‌می» هدیه دادند

نسخه اصلی بازی ایران و استرالیا هدیه جواد خیابانی به موزه «دوره‌می»

یکی از جذاب‌ترین اجناس موزه است که برای همه مردم ایران بسیار خاطره‌انگیز است. او که فروردین‌ماه سال ۹۶ به عنوان مهمان در «دوره‌می» حضور داشت، وعده داد که نسخه اصلی فیلم مربوط به بازی معروف ایران و استرالیا را به موزه اهدا خواهد کرد. اکنون کاست فیلم این بازی فراموش‌نشدنی در موزه «دوره‌می» به حراج گذاشته شده است.

تمبرهای ارزشمند وزیر جوان

محمدجواد آذری جهرمی دو هدیه خاص، به موزه «دوره‌می» اهدا کرده است. یکی از این هدایا، ارزشمندترین دارایی وزارت ارتباطات یعنی مجموعه تمبری است که در پنج سال گذشته تهیه شده. او این مجموعه را که در شرکت ملی پست وجود داشت، به نمایندگی از نیروهای شرکت پست به موزه اهدا کرد. یکی دیگر از هدایا هم تمبر زیبای نقره، منقش به تمثال حافظ شیرازی است.

عینک معروف «فرهاد» هدیه مصطفی زمانی

بیش از هرکسی برای علاقه مندان به فیلم و سریال و به خصوص طرفداران سریال «شهرزاد» جالب است. این بازیگر که به قول خودش زمان زیادی فکر کرده بود که چه

چیزی به موزه هدیه بدهد، عینک شخصیت «فرهاد» در سریال «شهرزاد» را به موزه «دوره‌می» هدیه کرد. مخاطبانی که اشک‌های «فرهاد» در سریال را دیده‌اند، این عینک را خوب به خاطر دارند.

حاصل تجربه ۶ هزار عمل جراحی

یکی از باارزش‌ترین هدایای موزه «دوره‌می» که نمی‌توان قیمتی روی آن گذاشت، هدیه متعلق به پروفسور سمیعی است. پروفسور سمیعی با اشاره به این موضوع که کتاب برایش ارزش زیادی دارد، کتابی نوشته خودش که حاصل تجربه‌هایی است که طی شش هزار عمل جراحی به دست آورده بود، به موزه تقدیم کرد. او همچنین آلبوم تمبری با امضای خود را به موزه هدیه داد.

ماکت هواپیمای اف-۱۴

یکی از منحصره‌فردترین هدایای موزه «دوره‌می» را دکتر سورنا ستاری معاون علمی و فناوری رئیس جمهور هدیه کرده . ستاری ماکت یک هواپیما مدل اف-۱۴ را که خودش هدیه گرفته بود، به موزه تقدیم کرده است. فرزهایی از سخنان سرلشکر شهید منصور ستاری پدر وی نیز در قاب ماکت این هواپیما دیده می‌شود. از آن جایی که مشابه این هدیه در موزه نیست، می‌توان آن را جزو هدایای ویژه دانست.

جایزه نفیس خداداد عزیزی

خداداد عزیزی نیز مانند بعضی از چهره‌های ورزشی، یکی از خاطره‌انگیزترین دارایی‌های خود را به موزه «دوره‌می» هدیه داده است. او پیش از بازی ایران و استرالیا در سال ۷۶ به عنوان بهترین بازیکن ماه آسیا انتخاب شده و کاپ قهرمانی از جنس برنز را دریافت کرده بود. خداداد عزیزی طبق گفته خودش این جام را که جزو معدود یادگاری‌هایش از فوتبال بوده، به موزه اهدا کرده است.

پیراهن زنده‌یاد هادی نوروزی

یکی از متفاوت‌ترین هدایایی که در موزه دیده می‌شود، نام زنده‌یاد هادی نوروزی بازیکن تیم پرسپولیس را با خود به همراه دارد. پس از درگذشت هادی نوروزی، پیراهن او در باشگاه پرسپولیس به یادگار ماند و شماره ۲۴ که متعلق به او بود به بازیکن دیگری داده نشد. شرکت اول مارکت تصمیم گرفت پیراهنی با شماره ۲۴ را که یادآور مرحوم نوروزی است، به موزه هدیه دهد.

چه چیزی کیارستمی را به استاد مدرن سینما بدل کرد؟

می‌شدند را به پیش‌زمینه می‌آورد؛ این که آیا شخصیت‌ها واقعی هستند یا نقش بازی می‌کنند یکی از سوالات اساسی در این فیلم است. این درام همچنین بر محور برهم کشش ظریف میان ابهام‌آفرینی‌های کارگردان و میل بیننده به پذیرفتن این ابهامات می‌چرخد.

ماجرای کپی برابر اصل درباره یک نویسنده بریتانیایی به نام جیمز میلر است که مساله «اصلت» درباره آثار هنری را بی‌اهمیت دانسته و معتقد است هر بازتولید یک اثر هنری، خود، اثری است اصیل. کمی پیش از آغاز سخنرانی میلر درباره کتاب جدیدش، کپی برابر اصل، یک بانوی طرفدار از جیمز می‌خواهد نسخه بازتولید شده از این کتاب را برایش امضا کند اما به دلیل رفتار گستاخانه پسر کوچکش مجبور می‌شود پیش از پایان سخنرانی سالن را ترک کند.

جیمز و این خانم دوباره ملاقات کرده و روزی را با هم می‌گذرانند. در حالی که این دو شخصیت هنوز به ظاهر با هم غریبه‌اند اما رابطه دوستانه آنها گاهی به طرز عجیبی عمیق می‌شود تا جایی که پیشخدمت کافه تصور می‌کند آنها با هم زن و شوهرند. به دنبال این سوءبرداشت رفتار دو شخصیت به گونه‌ای تغییر می‌کند که گویی واقعاً زن و شوهرند. آیا تمام این مدت با هم ازدواج کرده بودند؟

وقتی اولین بار این فیلم را دیدم بلافاصله دوباره پخشش کردم چون فکر میکردم احتمالا نکته‌ای از دیدم پنهان مانده است. ترفندهای کیارستمی در این فیلم تقریبا نامرئی است. وی با نقش دادن به ژان کلود کریر فیلمنامه نویس و بازیگر فرانسوی دین خود را به سوررئالیستها نشان می‌دهد و قالب فیلم هم در کل یک رونوشت است که فیلم‌هایی چون سفر به ایتالیا از روبرتو روسلینی را به یاد می‌آورد.

با منطق کپی برابر اصل، این گریزها و اشارات تنها مهربی است بر ارزش اثر اصلی. این فیلم ثابت می‌کند کیارستمی از همکاران شایسته این استادان سینمایی است اما درون‌مایه‌های نمایش داده شده منحصرا به خود وی تعلق دارند. برای دانستن جزئی این موضوع به فیلم کلوزآپ نگاه کنید. این فیلم که نخستین بار در سال ۱۹۹۰ به نمایش درآمد، بیشتر از کپی برابر اصل میل مخاطب را به فریب خوردن از تکنیکهای فیلمساز محک می‌زند.

کلوزآپ: در هم شکستن مرزهای نمایش و مستند

داستان کلوزآپ به عنوان ترکیبی از نمایش و مستند بر محور یک اتفاق واقعی درباره مردی به نام حسین سبزیان می‌چرخد. سبزیان و خانواده (آهن‌خواه) که وی قصد استفاده از خانه‌شان برای لوکیشن فیلمبرداری را داشت، نقش خودشان را بازی می‌کنند. کیارستمی در این فیلم مرز میان عناصر نمایشی و مستند را در هم می‌شکند. یک فلاش‌بک (گذشته نمای) به مخاطب این طور نشان می‌دهد که حلیه سبزیان ممکن است خود از یک قضاوت انعکاسی نشات گرفته باشد (همان اتفاقی که درباره پیشخدمت در فیلم کپی برابر اصل افتاد). بازداشت سبزیان نیز از یک دیدگاه متفاوت نمایش داده می‌شود. کیارستمی به همدست این شخصیت تبدیل شده و حتی یکی از ایده‌های تقلبی وی را در بخش پایانی فیلم می‌گنجاند. در این فیلم مخاطبان نیز تا حدی با میل خانواده آهن‌خواه برای فریب خوردن از سبزیان همراه می‌شوند.

آیا واقعا با یک مجرم پشیمان و یک زوج روبرو هستیم یا این فقط آن چیزی است که ما می‌خواهیم ببینیم؟ فیلمهای کیارستمی ممکن است در سطح به طور معماگونه‌ای ساده به نظر برسند اما در باطن هیچ چیز سرراست و بی‌برده‌ای درباره آنها وجود ندارد.

خبر

«اینفودمیک» در عصر شیوع کرونا

فیک‌نیوزها هم آدم می‌کشند!

بخش فرهنگی – انتشار اطلاعات نادرست بسیار خطرناک است و در بسیاری از موارد جان انسان‌ها را به خطر می‌اندازد. در ماجرای مثل بحران شیوع ویروس کرونا این حقیقت عیان‌تر از هر زمان دیگری است.

تا کنون حداقل ۸۰۰ نفر بر اثر اطلاعات نادرست درباره ویروس کرونا جانشان را از دست داده‌اند. بماند که چند هزار نفر بر اثر این روایت‌های خطرناک آسیب‌های جدی دیده‌اند. بر اساس پژوهشی تازه از زمان شیوع کرونا علاوه بر حداقل ۸۰۰ جان‌بخسته، نزدیک به ۶۰۰۰ مورد بستری شدن در بیمارستان به دلیل استفاده از اطلاعات نادرست منتشر شده درباره بیماری «کووید ۱۹» ثبت شده است. در یکی از ساده‌ترین موارد بسیاری به دلیل نوشیدن متانول به خیال از بین بردن ویروس در بدنشان مسموم شده‌اند. آن‌ها به اشتباه تصور می‌کردند که متانول درمان دردشان است!

بهای گزاف انتشار اطلاعات نادرست

دنیای امروز دنیای کوچکی است. شایعات و اخبار و اطلاعات نادرست در چشم بر هم زدنی از این گوشه به آن گوشه دنیا می‌رسند. رخت و لباسی که تن این اخبار نادرست می‌پوشند هم بسیار فریب‌دهنده است و کار تشخیص سره از ناسره را دشوارتر از پیش کرده است. اما در ماجرای مثل شیوع ویروس کرونای جدید؛ که حالا دیگر جدید هم نیست، پای جان انسان‌ها در میان است. به راحتی با انتشار یک باور نادرست سلامت گروهی بزرگ به خطر می‌افتد. آنطور که بی‌بی‌سی گزارش کرده است، بسیاری قربانیان این ماجرا با اتکا به توصیه‌هایی که در شبکه‌های اجتماعی به شکل حقایق پزشکی عرضه می‌شوند، دچار مشکل شده‌اند. مثلا سیر بخورید تا کرونا از شما فراری شود، تا می‌توانید فلان ویتامین را مصرف کنید. بماند که برخی حتی نوشیدن مواد ضدعفونی‌کننده صنعتی با ادرار را هم توصیه کرده‌اند. در یک نظرسنجی در آمریکا حدود ۲۸ درصد شرکت‌کنندگان باور داشتند که بیل گیتس به بهانه واکسن کرونا در پی تزریق میکروچیپ به بدن آن‌ها است! در پژوهش اشاره شده در ابتدای بحث، این رویداد را «اینفودمیک» نامیده‌اند و وظیفه رسانه‌ها، مالکان شبکه‌های اجتماعی و البته آگاهان امر را مبارزه با انتشار آن‌ها عنوان کرده است. در این میان پیکان انتقاد به سمت غول‌های بزرگ شبکه‌های اجتماعی رفته است که امروز بیش از هر زمان دیگری جای رسانه‌های رسمی را گرفته‌اند. آن‌ها متهم هستند که به اندازه کافی در دسترس مبارزه با رواج اطلاعات نادرست در پلتفرم‌های‌شان گام برنمی‌دارند. در این هرج و مرج و البته با سوءاستفاده از ترس مردمی که با ویروس مهاجم و ناشناخته روبه‌رو شده‌اند، بسیاری در شبکه‌های اجتماعی به فکر مال اندوختن هستند. یکی از داغ‌ترین بازارها در این روزگار بازار فروش انواع محصولاتی است که با استفاده از رواج همین اطلاعات نادرست و جعلیات تبلیغ شده‌اند.

اینجا نقش رسانه‌های مورد اعتماد مردم در شفاف‌سازی برای جلوگیری از این دست سوءاستفاده‌ها پررنگ‌تر از قبل می‌شود.

خطرات تئوری توطئه و ماجرای واکسن

از روزی که «کووید ۱۹» آمد تا همین حالا همه دنبال شنیدن خبر خوش کشف واکسن هستند. همه منتظرند تا با گرفتن یک واکسن از هراس دائمی اینتا به این بیماری خلاص شوند. اما حتی واکسن هم از گزند اطلاعات نادرست که در غالب تئوری‌های توطئه جان مردم را به بازی می‌گیرند، در امان نیست. کمپین‌های تبلیغاتی علیه استفاده از واکسن عمر درازی دارند و تئوری‌های گوناگونی را تبلیغ می‌کنند. جدای از این‌که حرف آن‌ها چیست در همه‌گیری کرونا خطرناک‌تر از هر زمان دیگری خودشان را نشان خواهند داد.

جالب این که علیرغم تلاش‌هایی که برای مقابله با انتشار اطلاعات نادرست درباره واکسن انجام گرفته، در نظرسنجی تازه‌ای که در آمریکا انجام شده است، رقم بالای ۲۸ درصد شرکت‌کنندگان در نظرسنجی معتقد بودند که بیل گیتس از طریق واکسن می‌خواهد میکروچیپ‌هایی را به بدنشان تزریق کند! مشخص است که با شیوع اطلاعات نادرست یا همان «اینفودمیک» حتی دستاورد بزرگی مثل کشف واکسن کرونا هم به خطر خواهد افتاد.

.....●●●●●

واکنش اینستاگرامی صداپیشه جناب‌خان به تحقیر بارسلونا توسط بایرن مونیخ



بخش فرهنگی – محمد بحرانی، بازیگر سینما و تلویزیون و صداپیشه جناب‌خان که از هواداران دو آتشه تاریخی این تیم مقابل بارسلونا،به اشتراک گذاشت.

(جمعه ۲۴ مرداد)، در مرحله یک چهارم نهایی لیگ قهرمانان باشگاه‌های اروپا در لیسبون، بایرن مونیخ با نتیجه ۸ بر دو، از سد بارسلونا گذشت. این برد تاریخی، واکنش مثبت هواداران بایرن مونیخ را به دنبال آورد؛ از جمله محمد بحرانی، بازیگر سینما و تلویزیون کشورمان، پستی اینستاگرامی را در همین رابطه منتشر کرد.

صداپیشه جناب‌خان نوشت: «این پست موقت است و فقط برای اندکی شادی و شاید حواس پرتی است.همین.

فوتبال مساله مرگ و زندگی نیست. میدوارم خودتون و عزیزانتون در سلامتی و به دور از درد و رنج و بیماری باشین.ماسک یادتون نره.»